

شناسایی عوامل استحکام‌بخش ازدواج در فرهنگ ایران

اردشیر کیانی^۱

شکوه نوابی نژاد^۲

خدابخش احمدی^۳

داود تقوایی^۴

 10.22034/SSYS.2022.1794.2276

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۳/۱

افزایش آمار طلاق و ناسازگاری در بین زوجین در ده سال اخیر و کاهش رفاه خانوادگی بیانگر ضعف جوانان در شناسایی معیارهای ازدواج پایدار می باشد. این موضوع علاوه بر اینکه تحکیم بنیان خانواده را به خطر می اندازد موجب افزایش انحرافات و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی در کشور می گردد. پژوهش‌های سالیان اخیر نیز بیشتر معطوف بر شناسایی عوامل نارضایتی زوجین و بررسی علل طلاق بوده و کمتر به عوامل استحکام‌بخش ازدواج و روابط زوجین پرداخته شده است.

بر این اساس هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل استحکام‌بخش ازدواج با در نظر گرفتن فرهنگ ایرانی می باشد. این مطالعه از نوع آمیخته بود. در بخش کیفی از رویکرد تحلیل محتوا و مرور منابع و ادبیات پژوهش‌های ده سال اخیر و در بخش کمی داده‌های جمع آوری شده در بخش کیفی با

۱- دکترای مشاوره، مدیر مرکز مشاوره یاس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: A_kiany_m@yahoo.Com

۲- استاد، گروه مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳- استاد، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران

۴- دانشیار، گروه روان شناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

استفاده از روش توصیفی و همبستگی پیرسون و تحلیل عاملی تاییدی با استفاده از نرم افزار AMOS24 تجزیه و تحلیل شدند. افراد گروه نمونه با در نظر گرفتن معیارهای ورودی و به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل زمینه‌ای همچون: خانواده مبداء و مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و عوامل فردی همچون ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی و عوامل همسرگزینی شامل همسانی و توافق نظر و کفایت عقلانی و عوامل زوجی شامل مسایل جنسی/زناشویی، مهارت‌های ارتباطی و مسایل فرزندآوری و تربیت فرزند به عنوان عوامل استحکام‌بخش خانواده شناسایی شدند. براساس نتایج تحقیق مشخص شد که هریک از عوامل استحکام‌بخش شناسایی شده در بخش کیفی از توان قابل قبولی برای سنجش پایداری ازدواج برخوردار بودند.

این نتایج به مشاوران و روان‌شناسان ازدواج و خانواده و سایر متخصصان حوزه خانواده و ازدواج کمک می‌کند تا بتوانند در عرصه کمک به جوانان در آستانه ازدواج و افزایش رفاه زوجین و کاهش آسیب‌های اجتماعی سودمندتر و حرفه‌ای‌تر عمل کنند.

واژگان کلیدی: پایداری ازدواج، عوامل استحکام‌بخش و فرهنگ ایران.

مقدمه

ازدواج مهمترین پایه در تشکیل خانواده و نقطه عطفی در چرخه زندگی است. همچنین جنبه اساسی از زندگی هر فردی است که دو نفر را به عنوان همسر به همدیگر متعهد می‌کند و به طور قابل ملاحظه ای بر عملکرد زندگی او، از جمله رفاه اجتماعی، عاطفی، فرهنگی و اقتصادی تأثیر می‌گذارد. (گرگیس او همکاران، ۲۰۱۰) شواهد نشان داده است که ازدواج موفق به عنوان هسته مرکزی کیفیت زندگی با رضایت از زندگی رابطه مثبت و قوی دارد (یولکر^۱، ۲۰۰۸: ۱۹۹).

از طرفی ازدواج سالم و موفق، نقش بنیادین در تشکیل خانواده سالم ایفا می‌کند. خانواده سالم زیر بنای سلامت جامعه است (گریف و ملهرب^۲، ۲۰۰۱). خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه و شکل‌دهنده شخصیت آدمی است. مطلوبیت، رضایت، خشنودی و کیفیت و کارکرد بهینه خانواده عامل بسیار موثری در شکوفایی، رشد و پیشرفت خانواده محسوب می‌شود. خانواده به عنوان یک سیستم شامل زیرمجموعه‌های همسران، والدین و فرزندان است و زیرمجموعه همسران می‌تواند با فراهم ساختن الگویی موثر در تعامل زناشویی عمل نماید و چنانچه این خرده نظام، کارآمد و باکفایت باشد، شرایطی فراهم می‌گردد که در آن همسران صمیمیت، حمایت و رشد متقابل را تجربه کنند. به عبارت دیگر کیفیت زناشویی همسران بر کارآمدی، استحکام و دوام زیرمجموعه همسران تأثیر می‌گذارد. (گلدنبرگ^۳، ۲۰۰۸: ۳۴)

از سویی دیگر ازدواج پایدار و رضایتبخش، در فراهم آوردن ویژگی‌های مثبت بسیار برای اعضای خانواده از جمله سلامت روانی مثبت، سلامت جسمانی و رشد کودک، کارآمد می‌باشد. این روابط زن و شوهری، محیطی مساعد را برای کودکان فراهم می‌آورد و همچنین رشد و سلامتی اعضای خانواده را ارتقاء می‌دهد (میخالیتسیانوف^۴، ۲۰۱۴).

نتایج سایر تحقیقات نیز نشان می‌دهد که افراد با رضایتمندی زناشویی بالا و روابط صمیمانه در سنجش با کسانی که زندگی زناشویی ناسازگارانه دارند بیشتر عمر می‌کنند از سلامت بدنی بالاتری برخوردارند و برای فرزندان‌شان پدر و مادر بهتری هستند کپلر^۵ (۲۰۱۵). بدیهی است نحوه توافق همسران و نحوه تطابق آن‌ها با نیازهای یکدیگر و تکوین نقشهای مکمل می‌تواند به خوبی ثبات خانواده و انعطاف‌پذیری آنها را برای سازگاری با شرایط تغییر پیش بینی کند. از طرفی زیر منظومه همسران، الگویی را برای فرزندان فراهم می‌سازد که از آن تعامل زناشویی صمیمیت و تعهد زناشویی را فرا می‌گیرد. اگر این منظومه از کفایت کافی برخوردار باشد شرایطی را فراهم می‌سازد که در آن همسران، صمیمیت، رشد متقابل و رشد شخصی را تجربه می‌کنند (گلدنبرگ، ۲۰۰۸). دیکسون^۶ (۲۰۱۳) نیز بر این باور است که زوجین پایدار و رضایتمند می‌توانند در مورد متغیرهای موثر در رشد و ارتقاء بهزیستی خود سرنخهایی را فراهم سازند و در طول زمان کشف کنند که چه کاری را انجام دهند.

-
1. Giris et al.
 2. Ulker
 3. Greeff & Malherbe
 4. Goldberg
 5. Michalitsianos
 6. Kepler
 7. Dixon

امروزه ازدواج به عنوان یک دغدغه جدی برای جوانان نیز محسوب می‌شود و تصمیم‌گیری برای این موضوع حیاتی، مستلزم توجه همه جانبه به آن و افزایش توان آنان در انتخاب آگاهانه می‌باشد.

واقعیت این است که آمار بالا و نگران‌کننده طلاق یک بحران جهانی است اما نرخ طلاق در ایران به هیچ عنوان زینده نظام جمهوری اسلامی ایران نبوده و هشدار جدی برای دست اندرکاران و متولیان فرهنگی تلقی می‌شود و اهتمام بیشتر متخصصان و مشاوران را ایجاب می‌نماید. اگرچه مسئولان عالی کشور این دغدغه را مورد توجه قرار داده و قانون حمایت از خانواده را در سال ۱۳۹۱ تصویب کردند و سیاست‌های کلی خانواده نیز در سال ۱۳۹۵ ابلاغ گردید اما طبق آمارهای ارائه شده در طی سال‌های مورد بررسی می‌توان گفت که روند کاهشی ازدواج و افزایشی طلاق در اکثر سال‌ها نکته قابل توجه بوده و آمارهای ارائه شده نشان می‌دهد که درصد آمار ازدواج در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۸۷ حدود ۳۷/۶ درصد روند منفی داشته است؛ این در حالی است که جمعیت افراد در سن ازدواج در کشور بیشتر شده‌اند در حالی که در همین زمان آمار طلاق با ۵۸/۳۲ درصد روند مثبت داشته است که نشان از روند کاهشی ازدواج و افزایشی طلاق در کشور هست که بسیار نگران‌کننده است. همچنین یافته‌های آماری نشان می‌دهد که نسبت طلاق به ازدواج در سال ۱۳۸۷ از ۱۲/۵ به ۷۷/۳۱ در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است که نشانه بدتر شدن این شاخص در کشور است. علاوه بر این گروه زیادی از زوجین نیز هستند که در هنگام تصمیم‌گیری برای ازدواج مولفه‌ها و عوامل خطر ساز و استحکامبخش را نادیده می‌گیرند و به دلایل فرهنگی، اجتماعی قید طلاق را می‌زنند و ترجیح می‌دهند به زندگی ناشاد خود ادامه دهند. و اصطلاحاً طلاق عاطفی بر زندگی آنان حاکم است و اگر چه آمار رسمی برای این گروه از زوجین نداریم ولی آمار غیر رسمی گاهی تا بیش از دو برابر آمار رسمی طلاق در جامعه حکایت دارد.

به همین دلیل ضروری است تا با معرفی مولفه‌ها و عوامل استحکامبخش ازدواج پایدار با تأکید بر معیارهای بومی و فرهنگی به جوانان، شرایط را برای انتخاب مناسب تر آنان فراهم آوریم. و نگرانی‌های آنان را در هنگام تصمیم‌گیری کاهش دهیم پر واضح است که نادیده گرفتن این ضرورت منجر به ازدواج شتاب زده و پرچالش می‌شود و چرخه زندگی خانوادگی افراد را تحت تأثیر قرار داده و دگرگونی اقتصادی اجتماعی و جمعیتی مهمی را به همراه خواهد داشت که از آن جمله می‌توان به افزایش میزان طلاق، زنان سرپرست خانوار، افزایش فقر اشاره نمود. البته گسترش انواع انحرافات اجتماعی و اخلاقی و شکل‌گیری الگوهای جدید روابط جنسی در جامعه و همچنین افزایش پدیده هم‌خانگی نیز از تبعات نادیده گرفتن ارزش‌های ازدواج و خانواده می‌باشد.

پیشینه پژوهش

اگرچه در ارتباط با پایداری ازدواج مطالعات و پژوهش‌های بسیاری انجام شده، اما تعیین معیارها و شاخص‌های موفقیت در ازدواج کمتر مورد توجه بوده است و بیشتر این پژوهش‌ها روی رابطه رضایتمند و درازمدت تمرکز نکرده‌اند بلکه روی متغیرهایی تمرکز کرده‌اند که مایه از

هم پاشیدن ازدواج‌ها هستند (نیمتز^۱، ۲۰۱۱). به بیان دیگر بیشتر پژوهش‌ها صرفاً به بررسی دلایل شکست و ناکامی و زمینه‌های شکل‌گیری نارضایتی و طلاق محدود شده‌اند. از جمله پژوهش‌هایی که در دهه اخیر به عوامل پایداری ازدواج و شاخص‌ها و مؤلفه‌های استحکام‌بخش ازدواج موفق پرداخته‌اند می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره نمود.

پیرساقی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «شناسایی شاخص‌های ارتباط زناشویی کارآمد» به تبیین الگوی ارتباط زناشویی کارآمد همت گماشت در این الگو، سازگاری زناشویی به عنوان مقوله‌ی مرکزی انتخاب شدند. شرایط علی عبارت بودند از سبک دلبستگی ایمن، تمایز یافتگی، بلوغ عاطفی و بلوغ فکری و شناختی. آموزه‌های خانواده‌ی مبداء و دین‌داری به عنوان شرایط زمینه‌ای و حمایت اجتماعی به عنوان عامل مداخله‌گر انتخاب شدند. راهبردهای مورد استفاده‌ی زوج‌ها برای برقراری ارتباط کارآمد با همسرشان عبارت بودند از تشویق و تعامل مثبت. در نهایت، والدگری کارآمد و کیفیت زندگی زناشویی به عنوان پیامدهای این الگو معرفی شدند.

در پژوهشی دیگر (صفایی ۱۳۹۶) با عنوان «شناسایی شاخص‌های خانواده سالم و ناسالم از نظر زنان و مردان متأهل ایران»، ۲۸ زیر مقوله و ۵ شاخص اصلی (شخصیتی، ارتباطات کلامی و غیر کلامی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی و مذهبی) مورد توجه قرار داد. کرای (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل ماندگاری ازدواج‌های پایدار رضایتمند و آماده کردن و ساخت سنجه‌ای بر پایه عوامل ماندگاری ازدواج‌های رضایتمند از دیدگاه زنان» متأهل نشان داد که ۶۴ ماده در ۹ عامل دربرگیرنده شیوه ارتباط و حل تعارض مناسب، حمایت، توجه، احترام و قدردانی به یکدیگر، ویژگی‌های شخصیتی و مسئولیت‌پذیری، صمیمیت و کیفیت رابطه جنسی، کیفیت زندگی مشترک و گذراندن وقت و تفریحات؛ همخوانی زوجین و انعطاف‌پذیر بودن، تعهد و وفاداری، داشتن ارزش‌ها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک، و مسائل مالی و شغلی در ازدواج‌های پایدار رضایتمند زنان مؤثر بوده‌اند که روی هم رفته ۶۰ درصد از واریانس موفقیت در ازدواج را تبیین کردند.

صاحب‌دل (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی با عنوان «شناسایی و اندازه‌گیری شاخص‌های ازدواج موفق» شاخص‌های ازدواج موفق را در چهار مقوله اصلی و ۱۸ زیرمقوله شناسایی و مورد تایید قرارداد. مقوله‌های اصلی عبارت بود از: ویژگی‌های ارتباطی، خصوصیات شخصیتی، بسترهای فرهنگی و وابستگی عاطفی که هر یک از این چهار مقوله مؤلفه‌هایی را به خود اختصاص داده‌اند.

حاتمی و ورزنه (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی دیگر با عنوان «ارائه الگوی ازدواج موفق» نشان داد. پایداری ازدواج متأثر از عوامل زمینه‌ای (همسو بودن فرهنگ و سطح خانواده‌ها، نبودن و قبیح بودن طلاق در خانواده‌های اصلی و ...) عوامل علی (کشش و علاقه اولیه، آمادگی نسبی برای ازدواج، آشنایی پیش از ازدواج، انتخاب آگاهانه، استقلال نسبی) عوامل مداخله‌ای (نگرش‌ها) (قبول داشتن همسر، در اولویت بودن همسر نسبت به فرزند و خانواده‌ها) عنوان نمود. همچنین خدادادی سنگده (۱۳۹۴) در پژوهشی دیگر هفت عامل حمایتگری متقابل، صمیمیت، قدردانی، تعهد، تلاش برای خشنودی یکدیگر، رضایت جنسی و توافق برسر موضوعات اساسی را بعنوان متغیر پیش‌بین

ازدواج موفق تعیین کرد.

احمدی (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی با عنوان «شاخص‌های سلامت خانواده در الگوی اسلامی و ایرانی» عوامل استحکام‌بخش ازدواج را براساس مبانی قرآنی برشمرد که این عوامل عبارت بودند از: دینداری (بقره ۲۲۱) مهرورزی به همسر (واقعه ۳۶) مسؤولیت‌پذیری (قیامت ۳۲) تعهد و وفاداری (مائده ۲۴) اهمیت دادن به رابطه جنسی (آل عمران ۱۴) پرهیز از تجمل‌گرایی و تفاخر به داشته‌های مادی (احزاب ۲۸ و حدید ۲۰) اجتناب از تحقیر و بی‌احترامی (حجرات ۱۱) صبر و بردباری (انفال ۴۶) بخشش و گذشت (نور ۲۲).

همچنین لشری (۲۰۱۶) پژوهشی را با عنوان «نقش عوامل محیطی و فردی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی با جستجو در فرهنگ پاکستانی» انجام داد. فاطیما و اجمل^۲ (۲۰۱۲) در یک پژوهش کیفی به ۱۶ طبقه برای عوامل ازدواج پایدار و خوشبخت دست یافتند که عبارت بودند از: تشابه در فرقه مذهبی، رضایت، سازش و مصالحه، عشق و توجه، اعتماد و درک، ارتباط، تفاوت سنی، صداقت و احترام، مشارکت و در میان گذاشتن، گذشت، خلق و خوی همسر، ماندن به خاطر فرزندان، ساختار خانواده، تحصیلات و طبقه و روابط مثبت با خانواده همسر. اینگرام^۳ (۲۰۱۰) نیز در بررسی روی زوج‌های موفق آمریکایی، انعطاف‌پذیری، توجه به شباهت و تفاوت‌های یکدیگر روابط جنسی رضایت‌بخش، حل تعارض و مدیریت مالی را عوامل مؤثر در تداوم زندگی موفق آنان می‌شمرد و صداقت، وفاداری، مسؤولیت‌پذیری، تفاهم، پاک بودن، گذشت و توجه به مسایل معنوی را پیش‌بینی‌کننده ازدواج موفق می‌داند.

در بررسی پژوهش‌ها و تحقیقات داخلی و خارجی این نکته نیز حائز اهمیت است که عوامل اثرگذار بر ازدواج موفق در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. واقعیت این است که شکل‌گیری یک ازدواج موفق نمی‌تواند از اثرات فرهنگی و قومی به دور باشد و فرهنگ از مهمترین عواملی است که بر فرآیندها و پیامدهای روابط زناشویی تأثیر می‌گذارد. نکته قابل توجه اینکه مطالعات بین‌فرهنگی گاهی نتایج متفاوتی را گزارش داده‌اند (براملت و موشر^۴، ۲۰۰۱). بنابراین نمی‌توان نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده روی فرهنگ‌های گوناگون را به یکدیگر تعمیم داد (خدادادی سنگده، ۱۳۹۳).

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

در مورد اینکه انتخاب همسر براساس توجه به چه ویژگی‌هایی صورت می‌پذیرد، نظریات، فرضیات و مدل‌های متعددی ارائه شده است. در اینجا به چند نظریه و مدل اشاره می‌شود. یکی از اصلی‌ترین دیدگاهها در خصوص انتخاب همسر، نظریه همسان‌همسری است. همسان‌همسری معمولاً به ازدواج بین همسران از یک گروه اجتماعی یکسان اشاره دارد (بیرکلاند و همکاران^۵، ۲۰۰۳). براساس این اصل، افرادی که درصدد ازدواج برمی‌آیند، معمولاً کسی را برای همسری

1. Lashari
2. Fatima& Ajmal
3. Ingram
4. Bramlet & Mosher
5. Birkelund et al.

برمی‌گزینند که از بیشترین سطح همسانی و مشابهت با آنان برخوردار باشد افراد مشابه از لحاظ سن، نژاد، مذهب، ملیت، تحصیلات، هوش، سلامت، منزلت، نگرش، ویژگیهای بی‌شمار دیگر، به مقداری بیش از آنکه به صورت تصادفی یافت شود، تمایل به ازدواج بایکدیگر دارند. (هاگس و همکاران^۱، ۲۰۰۲) فرضیه همانندی عبارت از این اندیشه است که ما نوعاً زمانی بیشترین نتیجه و کمترین هزینه را تجربه میکنیم که در جستجوی همسرانی دارای میزانی از جذابیت بدنی در حد خودمان باشیم. هاگس و همکاران (۲۰۰۲). اما افراد گاهی اوقات در روابطی وارد می‌شوند که در آن بسیاری از ویژگی‌های مطلوب را پیشکش می‌کنند. یک فرد می‌تواند فقدان جذابیت را با یک شخصیت فریبنده، مهربانی، موقعیت، پول و مانند آن جبران کند. این تصور، که افراد گاهی می‌توانند فقدان جذابیت را با ارائه سایر خصلت‌های مطلوب جبران کنند "همانندی پیچیده" نامیده شده است. آنچنان که روان‌شناسان اجتماعی خاطر نشان می‌کنند، نوع سنتی جور شدن آن است که یک مرد ثروتمند موفق مسن‌تر، با یک زن جذاب جوان ازدواج کند (اسپرچر و هتفیلد^۲، ۲۰۰۹).

نظریه نیازهای مکمل بیان می‌دارد که ما به انتخاب همسرانی تمایل داریم که نیازهای آنان مخالف و تکمیل‌کننده نیازهای ماست. نظریه مبادله تأکید می‌کند که انتخاب همسر مبتنی بر ارزیابی فردی است که بیشترین پاداش را در قبال کم‌ترین هزینه ارائه می‌کند (هاگس^۳ و همکاران، ۲۰۰۲). دیدگاه‌های روان‌پویایی در ازدواج و طلاق به عنوان یکی از ارزشترین و مؤثرترین سنت‌ها در تاریخ روان‌شناسی قلمداد می‌شود. یکی از مهم‌ترین اصول مدل روان‌پویایی و سازگاری زناشویی، اصل مربوط به انتخاب همسر است. مطابق این اصل، افراد آگاهانه یا به طور ناخودآگاه زوج‌هایی را انتخاب می‌کنند که نیازهای خود شیفتگی خود را ارج نهند (الری و اسمیت، ۱۹۹۱). سرکوبی پویایی این نیازهای خود شیفتگی و درون‌فکنی و فرافکنی آنها به همسران آینده افراد را به این وا می‌دارد که همسرانی را ترجیح دهند که نیازهای آنها را تکمیل کنند.

گلاسر نیز در نظریه انتخاب توضیح می‌دهد که همه رفتارهای انسان محصول انتخاب خودش است و نیروی محرک تمام رفتارهای انسان پنج نیاز اساسی و ژنتیکی است. این نیازها شامل بقا، عشق و تعلق خاطر، آزادی، تفریح و قدرت است. مشکلات اساسی انسانها از دیدگاه گلاسر به طور خلاصه شامل شکست در ارضای نیازهای برنامه‌ریزی شده ژنتیکی، فقدان رابطه نزدیک و صمیمی، و روانشناسی کنترل بیرونی است. روانشناسی کنترل بیرونی منشأ اصلی روابط ناخرسند مردم سراسر جهان است (گلاسر، ۱۹۹۸).

با توجه به مطالب گفته شده این پرسش مطرح است که آیا می‌توان با معرفی شاخص‌هایی دوام و ثبات روابط زوجین را بهبود بخشید؟ و آیا می‌توان با شناسایی عوامل و مولفه‌های پایداری ازدواج ضمن کاهش آسیب‌های اجتماعی به ویژه طلاق به تحکیم بیشتر نهاد خانواده کمک کرد؟ هدف مقاله حاضر این است که ضمن پاسخگویی به این پرسش‌ها علاوه بر شناسایی عوامل

1. Hughes et al.
2. Sprecher & Hatfield
3. Hughes et al.

پایداری ازدواج در چارچوب هنجارها و فرهنگ ایرانی و مبتنی بر تحقیقات دهه اخیر، مؤلفه‌های پیش‌بینی‌کننده ازدواج موفق را به جوانان و خانواده‌ها بشناساند. بدیهی است انجام پژوهش‌های پیشگیرانه‌ای از این دست علاوه بر اینکه طراز مناسبی از یک مدل زندگی بادوام و رضایت‌بخش ارائه می‌دهد، زمینه را برای شناسایی ریشه‌های مشکلات فراهم می‌آورد و همچنین ابزار سودمندی را در اختیار مشاوران و روان‌شناسان و سایر متخصصان حوزه خانواده و ازدواج فراهم می‌نماید تا بتوانند در عرصه کمک به افزایش رفاه زوجین و کاهش آسیب‌های اجتماعی و حرفه‌ای‌تر عمل کنند.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف توسعه‌ای و روش پژوهش آمیخته (کیفی - کمی) می‌باشد. در این راستا پژوهشگر ابتدا با استفاده از روش کیفی به بررسی و مرور منابع و ادبیات تحقیق پرداخته و عوامل استحکام‌بخش ازدواج را استخراج نمود و سپس برای سنجش نقش هر یک از عوامل و میزان سهم آنان در پایداری ازدواج از روش کمی و روش همبستگی و تحلیل عاملی تاییدی استفاده گردید. در بخش کیفی پژوهش تحقیقات و پژوهش‌های ده سال اخیر که به نحوی به عوامل استحکام‌بخش ازدواج پایدار و روابط زوجین پرداخته بودند مورد بررسی قرار گرفته و مولفه‌های استحکام‌بخش ازدواج، استخراج گردید.

در بخش دوم (بخش کمی) از آمار توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و در ادامه با استفاده از معادلات ساختاری و تحلیل عاملی تاییدی و نرم افزار AMOS24 داده‌های آماری تجزیه و تحلیل شد. جامعه آماری گروه هدف در بخش کمی عبارت بودند از زنان و مردان متاهل تهرانی که بیش از ۵ سال سابقه زندگی مشترک داشتند تعداد افراد نمونه نیز ۳۱۸ نفر بودند. این افراد از بین زنان و مردان متاهل شهر تهران و با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردید.

همچنین ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش از سه ابزار تشکیل شده بود. اولین ابزار چک‌لیست محقق ساخته بود که مشخصات آن در جدول ۱ آمده است. همچنین از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱ و پرسشنامه تعارضات زناشویی بعنوان ابزارهای موازی و هم‌تا استفاده شد. پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ بود در این پژوهش از فرم ۴۷ گویه‌ای این پرسشنامه استفاده شده است که در زمینه بررسی ابعاد مختلف رضایتمندی زناشویی کاربرد دارد که دارای ۹ خرده‌مقیاس است. روایی این مقیاس به شیوه همسانی درونی ۰/۹۵ و همچنین ضریب پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۵ گزارش شده است (سلیمانیان، ۱۳۷۳) نیز اعتبار فرم ۴۷ سوالی پرسشنامه فوق را با استفاده از روش ضریب آلفا ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در ایران (مهدویان، ۱۳۷۶) در کار روی اعتبار آزمون با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و با روش بازآزمایی، به فاصله یک هفته (برای مردان ۰/۹۳۷ و برای زنان ۰/۹۴۴) و برای مردان و زنان (۰/۹۴) به دست آورد. پرسشنامه سوم پرسشنامه تعارضات زن و شوهری (MCQ) بود که این پرسشنامه یک ابزار

۴۲ سؤالی است که برای سنجش تعارض‌های زن و شوهری و بر مبنای تجربیات بالینی توسط ثنایی و براتی (۱۳۷۹) ساخته شده است. این پرسشنامه هفت بعد از تعارضات زن و شوهری را می‌سنجد که عبارت اند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر. نمره گذاری سؤالات این پرسشنامه نیز براساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت است. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ است. در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر است. کسب نمره بیش از ۱۱۵ این پرسشنامه به منزله داشتن تعارض نابهنجار است. پایایی این ابزار توسط براتی (۱۳۷۵) برابر با ۰/۵۲ و توسط فرحبخش (۱۳۸۴) ۰/۶۹ به دست آمد.

یافته های پژوهش

۳۲۱

با توجه به اینکه در این پژوهش از دو روش کیفی و کمی استفاده گردید نتایج نیز در دو بخش ارائه می‌گردد:

بخش کیفی

در بخش کیفی پژوهش تحقیقات و پژوهش‌های ده سال اخیر (۱۳۸۸-۱۳۹۸) که به نحوی به عوامل استحکام‌بخش ازدواج پایدار و روابط زوجین پرداخته بودند مورد جستجو قرار گرفتند. براین اساس بیش از ۲۱۰ مقاله و پژوهش و منبع مرتبط با تحقیق بررسی شد و مؤلفه‌های استحکام‌بخش ازدواج استخراج گردید. در ادامه با تشکیل استخر گویه‌ها، مؤلفه‌های مرتبط با موضوع پژوهش جمع آوری شد و داده‌های استخراج شده با نظر متخصصان مورد ارزیابی قرار گرفت. سپس کلیه مؤلفه‌ها در قالب عوامل استحکام‌بخش آماده گردید.

در مرحله بعد با هدف بدست آوردن روایی محتوایی، چک‌لیست گویه‌ها استخراج شده محصول مطالعه کیفی در قالب چک‌لیستی از گویه‌ها به همراه پرسشنامه‌ای حاوی چهار سؤال دموگرافیک (سن، جنس، رشته تحصیلی، سابقه فعالیت حرفه‌ای) آماده و برای ۱۵ نفر از متخصصان و روان‌شناسان حائز شرایط ارسال گردید. در بخش نظرسنجی از متخصصان خانواده و ازدواج، جامعه آماری شامل متخصصان و افراد صاحب نظری است که در زمینه روان‌شناسی و مشاوره خانواده فعالیت داشتند. انتخاب افراد نمونه بر مبنای دو ملاک: ۱- دارا بودن حداقل ۱۰ سال تجربه زوج درمانی و خانواده درمانی و مشاوره ازدواج ۲- داشتن مدرک دکتری مشاوره یا روانشناسی به صورت هدفمند بود. در ادامه به منظور شاخص روایی محتوایی گویه‌ها بررسی و تعدادی از گویه‌هایی که CVI آنها کم‌تر از ۰/۷۰ بود حذف شدند و مابقی عوامل که از روایی قابل قبولی برخوردار بودند که در فهرست عوامل باقی ماندند همچنین همسانی درونی هر یک از مؤلفه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که برابر ۰/۹۲ بود. در مرحله سوم با هدف تدوین چک‌لیست عوامل استحکام‌بخش، تعدادی از گویه‌ها، به دلیل تکراری بودن، شباهت معنایی، همپوشانی گویه‌ها از چک‌لیست طبقه بندی شده حذف و چک‌لیست نهایی در قالب ۴ مقوله محوری، ۹ عامل اصلی و با ۷۵ مؤلفه دسته بندی و آماده شد. جدول ۱ عوامل استحکام‌بخش را نشان می‌دهد:

جدول ۱: عوامل استحکام‌بخش ازدواج

مقوله	عامل	گویه‌های استحکام‌بخش
زمینه‌ای	خانواده مبداء	رضایت و موافقت خانواده در ازدواج، نبود اعتیاد در خانواده پدری، نبود سابقه خیانت در خانواده، احترام به جایگاه والدین
	عوامل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی	احترام به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، نداشتن باورهای خرافی
فردی	شخصیتی و اخلاقی	صداقت و راستگویی، منصف بودن، صبوری، گذشت، تواضع، قناعت داشتن، پاکدامنی، مهربانی و صمیمیت، نظم داشتن، اهل معاشرت بودن، اعتماد کردن به اندازه به دیگران، نودوستی، احساس کفایت و شایستگی، انعطاف‌پذیری، توانایی در کنترل خشم، توانایی مدیریت استرس، کینه توز نبودن، مسئولیت‌پذیری، تاب‌آوری در برابر مشکلات، امیدواری، مثبت‌اندیشی، شوخ‌طبعی، سازگاری، خسیس نبودن
	اعتقادی و معنوی	دینداری و اعتقادات مذهبی، داشتن باورهای معنوی، داشتن معنا در زندگی، مقدس دانستن ازدواج، رعایت حجاب و عفاف، شناخت صحیح نیازها، داشتن توقعات منطقی از دیگری، شناخت ویژگی‌های زن و مرد، داشتن علایق و سلیقه مشترک، داشتن اهداف مشترک، تشابه سطح تحصیلی، تشابه در معیارهای ارزشی و اعتقادی خانواده، تشابه سلیقه در روابط با دوستان، تشابه در باورها و ارزش‌های دینی، تشابه در طبقه اقتصادی خانواده، تشابه در طبقه اجتماعی خانواده، توافق نظر در برگزاری مراسمات و جشن‌ها، توافق نظر در مسایل مالی
همسرگزینی	کفایت عقلانی در انتخاب	داشتن مهارت تصمیم‌گیری، پرهیز از کمال‌زدگی در انتخاب
	مسایل جنسی و زناشویی	دانش و مهارت در برقراری رابطه جنسی، رضایت جنسی، توانایی عشق‌ورزی و ابرازگری توجه به بهداشت فردی، ابراز علاقه کلامی، توجه به آراستگی ظاهری و پوشش، نداشتن بیماری مزمن روانی، نداشتن بیماری مزمن جسمانی، داشتن رابطه جنسی با همسر قبل از ازدواج
زوجی	مهارت‌های ارتباطی	وفاداری، وقت گذاشتن برای گفتگو با یکدیگر، پرهیز از تحقیر یکدیگر، پرهیز از تفاخر به داشته‌های مادی در مقابل همسر، داشتن روحیه همکاری و مشارکت، احترام به حریم خصوصی یکدیگر، اهمیت دادن به تصمیم‌گیری‌های مشترک، قدردانی و سپاس‌گزاری از یکدیگر، حفظ اسرار زوجی از دیگران، عدم تاثیرپذیری از دخالت‌های دیگران، داشتن برنامه برای گذران اوقات فراغت، داشتن مهارت‌های هم‌دلی توانایی حل تعارض و مشکل، برخورداری از مهارت‌های خانه‌داری (زن)
	فرزندآوری و تربیت فرزند	رعایت احترام همسر در برابر فرزندان و دیگران، توافق و مشارکت در شیوه تربیت فرزند، توافق در فرزندآوری (زمان-تعداد)

بخش کمی

در ادامه این پژوهش به منظور تعیین میزان سهم و اثر هر یک عوامل استحکام بخش در پایداری ازدواج چک لیست تهیه شده در بخش کیفی در اختیار گروه نمونه قرار گرفت در این بخش ۳۱۸ شرکت کننده (۲۲۷ زن و ۹۱ مرد) با میانگین و انحراف استاندارد سنی به ترتیب ۴۰/۱۴ و ۱۱/۱۳ حضور داشتند. میانگین و انحراف استاندارد سن همسر شرکت کنندگان به ترتیب برابر با ۴۲/۱۰ و ۱۰/۹۸ بود. میزان تحصیلات ۱۶ نفر (۵ درصد) از شرکت کنندگان زیر دیپلم، ۴۰ نفر (۱۲/۶ درصد) دیپلم، ۱۸ نفر (۵/۷ درصد) فوق دیپلم، ۱۴۶ نفر (۴۵/۹ درصد) لیسانس، ۷۱ نفر (۲۲/۳ درصد) فوق لیسانس و ۲۷ نفر (۸/۵ درصد) دکتری بود. همچنین میزان تحصیلات ۳۲ نفر (۱۰/۱ درصد) از همسر شرکت کنندگان زیر دیپلم، ۶۶ نفر (۲۰/۸ درصد) دیپلم، ۲۵ نفر (۷/۹ درصد) فوق دیپلم، ۱۰۵ نفر (۳۳ درصد) لیسانس، ۶۴ نفر (۲۰/۱ درصد) فوق لیسانس و ۲۶ نفر (۸/۲ درصد) دکتری بود. گفتنی است که میانگین و انحراف استاندارد مدت زندگی مشترک در بین شرکت کنندگان به ترتیب برابر با ۱۶/۰۳ و ۱۰/۷۷ بود. در نهایت ۷۱ نفر (۲۲/۳ درصد) از شرکت کنندگان فاقد فرزند، ۸۲ نفر (۲۵/۸ درصد) ۱ فرزند، ۱۱۹ نفر (۳۷/۴ درصد) ۲ فرزند و ۴۶ نفر (۱۴/۵ درصد) بیشتر از ۳ فرزند داشتند.

همچنان که پیشتر اشاره شد مقیاس عوامل استحکام بخش روابط زوجین شامل ۷۵ گویه بود که فرض شده بود چهار عامل زمینه‌ای، فردی، همسرگزینی و زوجی را می‌سازند. عامل زمینه‌ای خود از مؤلفه های خانواده مبداء (۴ گویه) و مؤلفه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی (۲ گویه)، عامل فردی از مؤلفه های شخصیتی (۲۴ گویه) و اعتقادی (۶ گویه)، عامل همسرگزینی از مؤلفه های همسانی توافق (۱۳ گویه) و کفایت اخلاقی (۲ گویه)، عامل زوجی از مؤلفه های مسائل جنسی (۸ گویه)، مهارت های ارتباطی (۱۴ گویه) و فرزندآوری/تربیت (۳ گویه) تشکیل شده بود. همچنین در ادامه بررسی های آماری، میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی هر یک از گویه ها محاسبه و نتایج نشان داد که شاخص های چولگی و کشیدگی همه گویه ها در محدوده ± 2 بوده و بنابراین توزیع داده های مربوط به آن گویه ها نرمال بود.

در این پژوهش ابتدا ساختار عاملی هر یک از عوامل چهارگانه استحکام بخش روابط زوجین به صورت مجزا با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی و نرم افزار AMOS24 و برآورد بیشینه احتمال^۱ (ML) مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۲ شاخص های برازش مدل هر یک از عوامل چهارگانه استحکام بخش روابط زوجین را نشان می دهد.

1. Maximum Likelihood

جدول ۲: شاخص های برازش مدل اندازه گیری مربوط به عوامل چهارگانه

شاخص های برازندگی	مدل عامل زمینه‌ای		مدل عامل فردی		مدل عامل زوجی		
	اصلاح اولیه	اصلاح شده	اصلاح اولیه	اصلاح شده	اصلاح اولیه	اصلاح شده	
مجذور کای ^۱	۳۷/۳۴	۵۱/۸۱	۱۳۷۴	۱۲۷/۰۳	۶۹۶	۵۵۰/۱۳	
درجه آزادی مدل	۸	۶	۳۷۶	۳۹	۲۷۲	۲۷۱	
χ^2/df^2	۴/۶۷	۲/۶۴	۳/۶۶	۳/۲۶	۲/۵۶	۲/۰۳	
GFI ^۳	۰/۹۶۸	۰/۹۸۳	۰/۷۳۶	۰/۹۳۳	۰/۸۷۳	۰/۹۱۲	
AGFI ^۴	۰/۹۰۳	۰/۹۴۲	۰/۶۹۵	۰/۸۸۶	۰/۸۱۰	۰/۸۵۴	
CFI ^۵	۰/۹۶۰	۰/۹۸۵	۰/۷۴۶	۰/۹۶۳	۰/۸۸۴	۰/۹۲۳	
RMSEA ^۶	۰/۱۰۸	۰/۰۷۲	۰/۰۹۲	۰/۰۸۴	۰/۰۷۹	۰/۰۵۶	

همچنان که جدول فوق نشان می دهد، مدل های اولیه هیچ یک از عامل های چهارگانه با داده های گردآوری شده برازش قابل قبول نشان ندادند. بنابراین مدل عامل زمینه ای با ایجاد کوواریانس بین خطاهای گویه های ۱ و ۴ از یک سو و ۴ و ۵ از سوی دیگر، مدل عامل همسرگزینی با ایجاد کوواریانس بین گویه های ۴۲ و ۴۴ از یک سو و ۴۵ و ۴۶ از سوی دیگر و مدل عامل زوجی با ایجاد کوواریانس بین گویه های ۵۱ و ۵۲ اصلاح و شاخص های برازندگی قابل قبول حاصل شد. گفتنی است که شاخص های برازندگی مدل عامل فردی با ایجاد کوواریانس بین خطاها بهبود نیافت و به همین دلیل برای به دست آوردن شاخص های برازندگی بهتر به توصیه مید و کروستالیس (۲۰۰۵) اقدام به استفاده از تکنیک تلفیق گویه ها^۷ شد. پس از عمل تلفیق گویه ها، بار دیگر ساختار عامل فردی مقیاس با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی ارزیابی و عامل فردی به صورت قابل قبول با داده ها برازش یافت. برای نشانگرهای عامل زمینه ای بارهای عاملی گویه ها در محدوده ۰/۵۶ و ۰/۸۸، برای عامل فردی در محدوده ۰/۴۵ تا ۰/۹۰، برای عامل همسرگزینی در محدوده ۰/۴۷ تا ۰/۷۷ و برای عامل زوجی در محدوده ۰/۳۶ تا ۰/۷۳ قرار داشت. براساس یدگاه تاباچینک و فیدل (۲۰۰۷) با توجه به این که بار عاملی همه گویه بزرگ تر از ۰/۳۲ بود، بنابراین می توان گفت که هر یک از گویه ها از توان قابل قبول برای سنجش عامل های مکنون خود برخوردار بودند. مطالب فوق بیانگر آن است هر یک از گویه ها از توان قابل قبول برای سنجش عامل های

1. Chi-Square
2. Normed chi-square
3. Goodness Fit Index
4. Adjusted Goodness Fit Index
5. Comparative Fit Index
6. Root Mean Square Error of Approximation
7. Item parceling

چهارگانه استحکام‌بخش روابط زوجین برخوردارند. در ادامه چگونگی برازش مدل یکپارچه مقیاس عوامل استحکام‌بخش روابط زوجین با داده‌های گردآوری شده به کمک تحلیل عاملی تاییدی مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان داد که به استثنای شاخص‌های برازندگی RMSEA و شاخص کای اسکوتر نرم شده دیگر شاخص‌های برازندگی از برازش قابل قبول مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری شده حمایت می‌کنند ($\chi^2(df=23)=93/14$)، $\chi^2/df=4/05$ ، $CFI=0/956$ ، $GFI=0/879$ ، $AGFI=0/938$ و $RMSEA=0/098$. به همین دلیل شاخص‌های اصلاح ارزیابی و با ایجاد کوارینانس بین خطاهای نشانگرهای خانواده مبداء و نشانگر معنوی/اعتقادی از یک سو و خطاهای نشانگرهای معنوی/اعتقادی و همسانی نظر از سوی دیگر مدل اصلاح و درنهایت شاخص‌های برازندگی حاصل شد که نشان می‌دهد مدل یکپارچه عوامل استحکام‌بخش روابط زوجین با داده‌های گردآوری شده برازش قابل قبول دارد ($\chi^2(df=21)=62/95$)، $\chi^2/df=2/99$ ، $CFI=0/974$ ، $GFI=0/958$ ، $AGFI=0/910$ و $RMSEA=0/079$. جدول ۳ برآورد بارهای عاملی هر یک از نشانگرهای عوامل استحکام‌بخش روابط زوجین را نشان می‌دهد:

۳۲۵

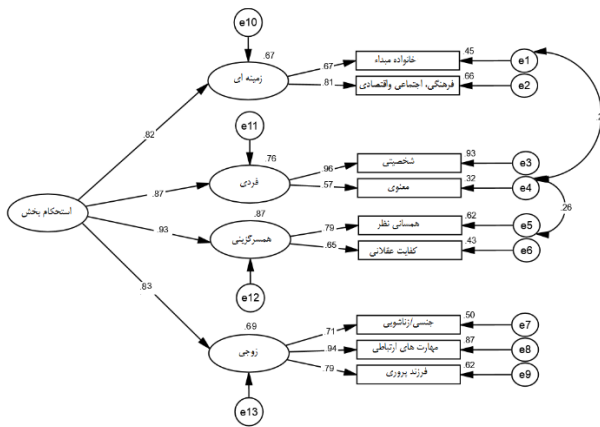
جدول ۳: پارامترهای مدل اندازه‌گیری مدل یکپارچه عوامل استحکام‌بخش روابط زوجین

سطح	متغیرهای مکنون - نشان‌گر	B	SE	β	p
	زمینه‌ای - خانواده مبداء	۱		۰/۶۶۹	
	زمینه‌ای - فرهنگ، اجتماع و اقتصادی	۰/۶۰۱	۰/۰۵۷	۰/۸۱۵	۱۰/۹۴**
	فردی - شخصیتی	۱		۰/۹۶۲	
	فردی - معنوی	۰/۲۵۷	۰/۰۲۷	۰/۵۶۵	۹/۶۰**
C ₁	همسرگزینی - همسانی نظر	۱		۰/۷۸۵	
	همسرگزینی - کفایت عقلانی	۰/۱۵۹	۰/۰۱۳	۰/۶۵۴	۱۲/۳۱**
C ₂	زوجی - جنسی/زناشویی	۱		۰/۷۱۰	
	زوجی - مهارت‌های ارتباطی	۱/۵۸۶	۰/۱۰۲	۰/۹۳۵	۱۵/۵۲**
C ₃	زوجی - فرزند پروری	۰/۳۷۷	۰/۰۲۸	۰/۷۸۶	۱۳/۴۱**
	استحکام‌بخش - زمینه‌ای	۱		۰/۸۱۸	
C ₄	استحکام‌بخش - فردی	۱/۱۹۵	۰/۱۱۸	۰/۸۷۱	۱۰/۱۳**
	استحکام‌بخش - همسرگزینی	۰/۸۱۸	۰/۰۸۳	۰/۹۳۴	۹/۹۲**
	استحکام‌بخش - زوجی	۱/۷۸۳	۰/۱۹۹	۰/۸۳۲	۸/۹۴**

نکته: نشانگرهای خانواده مبداء، شخصیتی، همسانی نظر و جنسی/زناشویی در تحلیل مرتبه اول و نشانگر زمینه‌ای در تحلیل مرتبه دوم با عدد ۱ تثبیت شده و بنابراین خطای استاندارد و سطح معناداری برای آنها محاسبه نشده است.

جدول ۳ نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین بارعاملی در تحلیل مرتبه اول متعلق به نشانگر شخصیتی ($\beta=0/962$) و کوچک‌ترین بارعاملی متعلق به نشانگر معنوی ($\beta=0/565$) است. در مرتبه دوم تحلیل بارعاملی همه عامل‌ها بزرگ‌تر از ۰/۸ بودند که نشان می‌دهد هم نشانگرها و عامل‌های مکنون از توان قابل قبول برای سنجش عوامل استحکام‌بخش روابط زوجین برخوردارند. شکل ۱

مدل اندازه‌گیری مقیاس استحکام‌بخش روابط زوجین با استفاده از داده‌های استاندارد را نشان می‌دهد.



شکل ۱: مدل اندازه‌گیری عوامل استحکام‌بخش روابط زوجین با استفاده از داده‌های استاندارد

به منظور ارزیابی روایی همگرایی مقیاس عوامل استحکام‌بخش روابط زوجین، ضریب همبستگی هر یک از مؤلفه‌های آن با نمرات پرسشنامه رضایت زناشویی و تعارضات زناشویی مورد بررسی قرار گرفت که جدول ۴ نتایج آن را نشان می‌دهد:

جدول ۴: ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرهای تحقیق	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱. زمینه‌ای - خانواده مبدا	-										
۲. زمینه‌ای - فرهنگی، اجتماعی	۰/۵۷**	-									
۳. فردی - شخصیتی	۰/۵۰**	۰/۶۲**	-								
۴. فردی - معنوی	۰/۴۷**	۰/۴۸**	۰/۵۵**	-							
۵. همسرگزینی - توافق نظر	۰/۴۷**	۰/۵۳**	۰/۶۹**	۰/۵۴**	-						
۶. همسرگزینی - کفایت عقلانی	۰/۳۳**	۰/۴۰**	۰/۵۴**	۰/۳۲**	۰/۵۱**	-					
۷. زوجی - جنسی/زناشویی	۰/۳۲**	۰/۳۸**	۰/۴۷**	۰/۲۶**	۰/۵۳**	۰/۴۴**	-				
۸. زوجی - مهارت‌های ارتباطی	۰/۴۲**	۰/۵۶**	۰/۶۳**	۰/۳۸**	۰/۷۰**	۰/۶۲**	۰/۶۷**	-			

۰/۴۴**	۰/۴۹**	۰/۵۷**	۰/۳۳**	۰/۶۲**	۰/۵۶**	۰/۵۷**	۰/۷۳**	-	۹. زوجی- فرزندآوری
۰/۱۸**	۰/۲۳**	۰/۲۷**	۰/۲۴**	۰/۲۷**	۰/۲۳**	۰/۱۶**	۰/۲۸**	۰/۳۱**	۱۰. رضایت زناشوی
۰/۱۶**	۰/۱۷**	۰/۲۴**	۰/۲۱**	۰/۲۲**	۰/۱۵**	۰/۲۲**	۰/۲۶**	۰/۲۵**	۱۱. تعارضات زناشویی
۱۵/۵۷	۷/۶۶	۹۹/۴۷	۱۸/۸۵	۵۰/۱۱	۷/۹۶	۳۴/۱۴	۵۶/۴۱	۱۳/۰۲	میانگین
۳/۴۹	۱/۷۰	۱۰/۸۱	۴/۷۵	۷/۶۳	۱/۴۶	۵/۱۰	۶/۱۳	۱/۷۳	انحراف استاندارد
۰/۸۱	۰/۶۲	۰/۹۱	۰/۸۹	۰/۸۷	۰/۶۸	۰/۸۳	۰/۸۹	۰/۷۱	ضریب آلفای کرونباخ
$P^{**} < 0/01$									

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که عوامل استحکامبخش روابط زوجین با متغیر رضایت زناشویی به صورت مثبت و با متغیر تعارضات زناشویی به صورت منفی و در سطح معناداری ۰/۰۱ همبسته است. براین اساس می توان گفت هر یک از عامل های استحکامبخش روابط زوجین از روایی همگرا برخوردارند. همچنین نتایج جدول فوق نشان می دهد که ضرایب آلفای کرونباخ هر یک از عامل ها نزدیک به یا بزرگتر از ۰/۷ است. بدین ترتیب می توان گفت هر یک از عوامل استحکامبخش روابط زوجین از همسانی درونی مطلوبی برخوردارند.

بحث و نتیجه گیری

ازدواج از مهمترین و اساسی ترین روابط انسانی بوده و اولین واحد برای روابط خانوادگی و پرورش نسل بعدی می باشد. نحوه توافق همسران و نحوه تطابق آن ها با نیازهای یکدیگر و تکوین نقشهای مکمل می تواند به خوبی ثبات خانواده و انعطاف پذیری آنها را برای سازگاری با شرایط تغییر پیش بینی کند. از طرفی زیر منظومه همسران الگویی را برای فرزندان فراهم می سازد که از آن تعامل زناشویی صمیمیت و تعهد زناشویی را فرا می گیرد. اگر این منظومه از کفایت کافی برخوردار باشد شرایطی را فراهم می سازد که در آن همسران، صمیمیت، رشد متقابل و رشد شخصی را تجربه می کنند (گلدنبرگ ۲۰۰۸). در این پژوهش عوامل استحکامبخش رابطه زوجین در چهار مقوله مقوله زمینه ای، فردی، زوجی و همسرگزینی دسته بندی شدند و نتایج نشان داد همه گویه ها از توان قابل قبول برای سنجش عوامل برخوردار بودند و شاخص های برازندگی نیز از برازش قابل قبول همه عوامل و داده ها حمایت کردند که در ادامه عوامل استحکامبخش ازدواج بحث و بررسی می شوند.

اولین مقوله موثر در استحکام ازدواج مقوله زمینه ای است. این مقوله خود از دو عامل خانواده مبدا و عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تشکیل شده بود مسایل خانواده مبدا همواره یکی از عوامل پیش بینی کننده موفقیت ازدواج محسوب می شود که توجه به آن در مشاوره های پیش از ازدواج تعیین کننده می باشد. عواملی همچون تمایز یافتگی، سبک دل بستگی، جو عاطفی خانواده و رضایت والدین از خرده مؤلفه های ذیل خانواده مبدا می باشد. بر اساس رویکرد فرامو، منبع مشکلات زوجین در این است که هر دو عضو نیازهای ارضاء نشده ای در خانواده اصلی دارند که

آن را به دیگری فراق‌کنی می‌کنند. بوئن (۱۹۷۸) نیز که پیشگام نظریه‌های سیستم‌ها و خانواده است موضوع تمایز یافتگی افراد را در موفقیت ازدواج تعیین کننده، می‌داند. او معتقد است افراد به کسانی که سطح تمایز یافتگی شان شبیه آنهاست، جذب می‌شوند (کار، ۲۰۰۶). مؤلفه دیگری که ناظر بر اهمیت خانواده مبدا در موفقیت ازدواج می‌باشد، سبک دلبستگی افراد است. کارنی و برادبوری (۱۹۹۵) نیز معتقد است طبق نظریه دلبستگی، موفقیت و یا عدم موفقیت زندگی زناشویی تحت تأثیر جنبه‌های پایدار سابقه رابطه‌ای هر کدام از طرفین و خانواده مبدا قرار دارد. در فرهنگ اسلامی نیز خانواده محبوب‌ترین نهاد بشری در نزد خداوند است که پایه و اساس آن محبت و مودت است (روم، آیه ۲۱). اهمیت این موضوع با پژوهش بسیاری از محققان همسو می‌باشد از جمله تحقیق افتخاری و احمدی (۲۰۱۸) که نشان داد که همبستگی مثبت و معناداری بین استحکام خانواده اصلی و تمایز یافتگی با رضایت و سازگاری زناشویی وجود دارد.

توجه به مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی حاکم بر خانواده نیز یکی دیگر از عوامل زمینه‌ای مؤثر در پایداری ازدواج است. واقعیت این است که بدون حساسیت فرهنگی نمی‌توان به پایداری ازدواج رسید. اثر عامل فرهنگی و اجتماعی بر پایداری روابط زوجین در بسیاری از پژوهش‌ها مشاهده شد. که تحقیقات اخوی ثمرین (۱۳۹۶) صفایی (۱۳۹۶) سالاما (۲۰۱۶) از آن جمله می‌باشند.

از طرفی جامعه ایران جامعه‌ای است با بنیان‌های قومی فرهنگی و سنتی است و سبک زندگی مردم بازتابی است از ارزش‌های اجتماعی الگوهای رفتاری، عادات و نگرش‌هاست که در پی فرآیند جامعه‌پذیری افراد بوجود می‌آید. البته توجه به این نکته بسیار ضروری است که عوامل زمینه‌ای و اجتماعی مقوله‌ای بین فرهنگی است و نکته قابل توجه اینکه مطالعات بین فرهنگی گاهی نتایج متفاوتی را گزارش کرده‌اند. (براملت، ۲۰۰۱) بنابراین در تعمیم نتایج پژوهش‌های بین‌المللی باید با احتیاط عمل کرد و حتماً با توجه به شواهد و قرائن تحقیقات داخلی انجام شود. خلاصه اینکه که شکل‌گیری یک ازدواج موفق نمی‌تواند از اثرات فرهنگی و قومی به دور باشد و فرهنگ از بهترین عواملی است که بر فرآیندها و پیامدهای روابط زناشویی تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل در مشاوره‌های پیش از ازدواج به عوامل زمینه‌ای توجه جدی می‌شود.

دومین مقوله‌ای که توجه به آنها به استحکام و موفقیت ازدواج می‌انجامد و نادیده گرفتن آن ازدواج و رابطه زوجین را با مخاطره مواجه می‌کند مقوله فردی است. عواملی مثل ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی و عوامل اعتقادی و معنوی ذیل این مقوله دسته‌بندی شده‌اند. سلامت اخلاقی و شخصیتی یکی از عوامل مؤثر در پیش‌بینی موفقیت ازدواج است. آراسته بودن افراد به زیور صداقت، انصاف، صبوری، گذشت، صمیمیت، نועدوستی، نظم، احساس کفایت و شایستگی، انعطاف‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، تاب‌آوری، امیدواری، شوخ‌طبعی، سازگاری، خسیس نبودن می‌تواند رابطه زوجین را مملو از عطر آرامش و خوشبختی نماید. البته فقدان این ویژگی‌ها در افراد می‌تواند رابطه زوجین را مختل نموده و تا مرز فروپاشی بکشاند.

تأثیر عوامل شخصیتی و اخلاقی بر پایداری روابط زوجین با یافته‌های تحقیقات بسیاری همسو می‌باشد که از آن جمله می‌توان به تحقیقات زارعان (۱۳۹۵) صاحب‌دل (۱۳۹۴) خدادادی سنگده (۱۳۹۳) ام بیوایر^۱ (۲۰۱۷) لشری (۲۰۱۶)، اشاره نمود.

عامل اعتقادات و معنویت یکی دیگر از عوامل فردی استحکام بخش ازدواج است جامعه ایرانی جامعه ای است با بنیان‌های قوی که در آن مذهب و معنویت نقش مهمی در سبک زندگی مردم ایفا می‌کنند. بنابراین داشتن باورهای معنوی و مذهبی عاملی استحکام بخش در روابط همسران به شمار می‌رود. باورهای معنوی به زوجین کمک می‌کند تا تعارضاتشان را از منظر ایمان و اعتقادات مشترکشان بهتر مدیریت کنند. تاثیر عوامل معنوی و مذهبی در روابط زوجین با تحقیقات بسیاری همسو می‌باشد که از جمله آن می‌توان به پژوهش خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۷) صاحب‌دل (۱۳۹۴) محمدی و همکاران (۱۳۹۶) مصلحی (۱۳۹۶) اشاره نمود. البته اهمیت مسایل اعتقادی و معنوی صرفاً در کشورهای اسلامی خلاصه نمی‌شود، بلکه بسیاری از ملل نقش معنویت و خدامحوری را سبک زندگی خود پررنگ می‌دانند. به طور مثال در تحقیقی که مؤسسه پیو (۲۰۰۸) در مورد مذهب و زندگی عمومی بیان کرده است ۸۳ درصد آمریکایی‌ها به خدا به عنوان یک قدرت و اعتقاد دارند. و ۶۰ درصد آنها گفته‌اند که مذهب برای آنها مهم یا خیلی مهم است که باید وارد زندگی روزانه شان شود. در این میان برخی از کشورها و فرهنگ‌ها، باورهای دینی و همسانی آن دیگر اولویت ندارد به طور مثال فریمل^۱ و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند که همسانی در دین و نژاد در استرالیا کاهش یافته است.

سومین مقوله موثر در موفقیت ازدواج، همسرگزینی است که از دو عامل همسانی و توافق و کفایت عقلانی تشکیل شده بود. مقوله همسرگزینی در هیچ پژوهشی در کنار مقوله‌های زمینه‌ای، فردی و زوجی مورد بررسی قرار نگرفته است و این مقوله با این استدلال در دسته بندی مؤلفه‌ها جای گرفت که جایگاه معیارهای انتخاب همسر را در پایداری ازدواج پررنگ تر دیده شود. یکی از مهم‌ترین عواملی که توجه به آن می‌تواند در موفقیت ازدواج نقش انکارناپذیری داشته باشد. داشتن علائق و سلاطین مشترک، اهداف مشترک و همچنین تشابه در طبقه اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی، باورهای دینی و تحصیلی و همچنین توافق نظر در مراسمات و جشن‌ها و امور مالی می‌تواند پازل انتخاب هوشمندانه را تکمیل کند و پایداری ازدواج را به دنبال داشته باشد. پرواضح است نیازها، اهداف، سلاطین و باورهای افراد در بستر خانواده و فرهنگ شکل می‌گیرد. بنابراین چنانچه افراد از تجانس فرهنگی و خانوادگی برخوردار نباشند قادر نخواهند بود تا به درجه ای از همسانی و توافق که لازمه شکل گیری ازدواج مؤثر باشد، دست یابند. این موضوع بوسیله نظریه انتخاب حمایت می‌شود آنجا که گلاسر به پنج نیاز اساسی و فطری انسان‌ها (بقا، عشق و محبت، قدرت، آزادی و تفریح) اشاره دارد (گلاسر، ۱۹۹۹). همچنین این عامل بعنوان یکی از تجارب مردان و زنان طلاق گرفته در تحقیق قلی زاده آذر و همکاران (۱۳۹۴) نیز تأکید شده است همچنین در تحقیق صادقی و همکاران (۱۳۹۴) محسن زاده و همکاران (۱۳۹۰) که همسانی را یکی از دلایل رضایت از زندگی از دیدگاه زنان راضی از ازدواج بررسی کرده‌اند. از طرفی این عامل به وسیله مدل همسان همسری حمایت می‌شود

در مواردی نیز برخی محققان موارد متفاوتی را گزارش داده‌اند از جمله بیرکلاند و همکارانش (۲۰۰۳) به تمایل مردان برای ازدواج با زنانی که از سطح پایین‌تر تحصیلی برخوردارند اشاره داشت و یا فریمل و همکارانش (۲۰۰۸) نشان دادند که همسانی در مسایل دینی و نژادی در جامعه استرالیا روبه کاهش است. و یا فینکس^۲ (۱۹۹۷) در تحقیق خود در فنلاند تأییدی بر همسانی سن و تحصیلات مشاهده نکرد.

1. Frimmel
2. Finnks

یکی دیگر از مفاهیمی که در مقوله همسرگزینی به آن پرداخته شده عامل کفایت عقلانی است. مؤلفه‌هایی که در این تحقیق به عنوان نشانه‌های بلوغ عقلانی و کفایت منطقی انتخاب شده‌اند شامل داشتن مهارت تصمیم‌گیری، پرهیز از کمال‌زدگی و داشتن هدف و انگیزه مناسب بود. اهمیت این این موضوع با نتایج بسیاری از تحقیقات از جمله پژوهش صاحب‌دل (۱۳۹۴) خدادادی سنگده (۱۳۹۳) مقدم زاده (۱۳۹۷) همسو می‌باشد. در آموزه‌های دینی نیز توجه به خردمندی طرف مقابل موضوعی ارزشی در نظر گرفته شده و ازدواج افراد عاقل را نوید بخش شکل‌گیری خانواده سالم و به تبع آن انتقال ویژگی‌های طرفین از راه وراثت و تربیت به فرزند می‌داند و از سوی دیگر زندگی کردن با همسر کم‌خرد و نابخرد را آزار دهنده، کسالت‌آور و خسارت‌بار ارزیابی می‌کند (پسندیده، ۱۳۹۱).

مقوله زوجی نیز یکی از مباحث مهم در حوزه ازدواج و خانواده است در این پژوهش شناخت و توجه به نیازهای جنسی، داشتن مهارت‌های ارتباط و موضوع فرزندآوری و تربیت فرزند به عنوان عوامل پیش‌بینی‌کننده در موفقیت ازدواج معرفی شده‌اند. در این میان نیاز جنسی همواره یکی از نیازهای اساسی و فیزیولوژیک هر فردی است که می‌تواند در چارچوب ازدواج به طور مشروع و معناداری ارضا شود.

براین مبنا در این پژوهش مؤلفه‌هایی از قبیل توانایی عشق‌ورزی و ابرازگری، توجه به بهداشت فردی، ابراز علاقه کلامی، توجه به آراستگی ظاهری و پوشش، پایین بودن کثش جنسی و برقراری رابطه جنسی با همسر و غیر همسر قبل از ازدواج در کنار داشتن رضایت جنسی و داشتن دانش و مهارت کافی در برقراری رابطه جنسی قرارداد شده و پایداری ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

همچنین ارتباط زناشویی کارآمد یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های کیفیت زناشویی و موفقیت ازدواج است. ارتباط، هدف اصلی ازدواج است. ارتباط به زن و شوهر این امکان را می‌دهد که با یکدیگر بحث و تبادل نظر کنند و از نیازهای یکدیگر آگاهی یابند. دلیل اینکه مهارت‌های ارتباط در ذیل مقوله زوجی قرار گرفته این است که هنر ارتباط می‌تواند استحکام‌بخش رابطه زوجین و ضامن بقای ازدواج باشد. این موضوع با نتایج تحقیقات کریمی‌ثانی (۱۳۹۰) کریمی (۱۳۹۶) فتحی و همکاران (۱۳۹۵) فرگوسن و کاین (۲۰۱۵) همسو می‌باشد.

آخرین عامل زوجی استحکام‌بخش موضوع فرزندآوری و تربیت فرزند است. در سیستم خانواده پس از مسئولیت زوجی، مسئولیت والدینی مهم‌ترین رکن خانواده است. آماتو و کیت (۲۰۱۱) در مطالعه طولی خود به بررسی تأثیر کیفیت زندگی در خانواده اصلی و کیفیت زندگی فرزندان در دو دهه بعد که به تشکیل خانواده اقدام کرده‌اند، پرداختند. آنها در این مطالعه بیست ساله دریافتند که کیفیت زندگی در خانواده اصلی به طور قابل توجهی کیفیت زندگی نسل بعد فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. نتایج پژوهش مهربانی (۱۳۹۵) نشان داد که وجود فرزند، زوجین را به هم وابسته‌تر می‌کند و برحسب ایثار آنها می‌افزاید. همچنین وجود تعداد بیشتری از فرزندان، خانواده را در موقعیت بهتری از لحاظ بهینگی قرار می‌دهد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که موفقیت ازدواج موضوعی چند بعدی است که مستلزم همه جانبه‌نگری در انتخاب همسر و رعایت عوامل و مؤلفه‌های پیش‌بین در این پژوهش است. ورسیدن به طراز یک جامعه سالم و ازدواج‌های موفق مستلزم توسعه آگاهی‌ها و آموزش‌های پیش از ازدواج جوانان توسط مراکز مشاوره مجاز و با صلاحیت می‌باشد.

منابع

- احمدی، خدابخش. (۱۳۹۵). شاخص های سلامت خانواده در الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت. چاپ اول، تهران: انتشارات الگوی پیشرفت
- اخوی ثمرین، زهرا؛ زهراکار، کیانوش؛ محسن زاده، فرشاد و احمدی، خدابخش. (۱۳۹۶). «بررسی عوامل زمینه ساز طلاق در بافت اجتماعی فرهنگی شهر تهران». پژوهشی کیفی فصلنامه فرهنگی و تربیتی زنان و خانواده. سال ۱۲، شماره ۴۰، صص ۱۰۵-۱۲۶.
- پسندیده، عباس. (۱۳۹۱). رضایت زناشویی. قم. سازمان چاپ و نشر دارالحديث
- پیرساقی، فهیمه. (۱۳۹۶). «شناسایی شاخص های ارتباط زناشویی کارآمد». رساله دکتری دانشگاه خوارزمی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- ثنابی ذاکر، باقر. (۱۳۸۷). مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت
- حاتمی ورزنه، ابوالفضل، اسماعیلی معصومه، فرحبخش کیومرث، برجعلی احمد. (۱۳۹۵). «ارائه الگوی ازدواج پایدار و رضایتمند». مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده. ۶، ۱، پیاپی ۲۱، صص ۱۴۹-۱۲۰.
- خدادادی سنگده، جواد. (۱۳۹۳). «شاخص های سلامت خانواده و ارائه مدل خانواده سالم مبتنی بر بافت فرهنگی- اجتماعی». رساله دکتری. دانشگاه تربیت معلم. دانشکده روان‌شناسی.
- خدادادی سنگده، جواد؛ نظری، علی محمد و احمدی، خدابخش. (۱۳۹۴). «پیش‌بینی ازدواج موفق: نقش عوامل زناشویی موثر بر بافت فرهنگی و اجتماعی». فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. شماره ۲۹.
- خجسته مهر، رضا؛ محمدی، رزگار؛ سودانی، منصور و عباس پور، ذبیح اله. (۱۳۹۷). «تجربه زیسته فداکاری در ازدواج های پایدار». پژوهش‌های مشاوره. جلد ۱۷، شماره ۶.
- کریمی، مهسا؛ دنیوی، وحید؛ راه نجات، امیرمحسن. کیانی مقدم، امیرسام. (۱۳۹۶). «رابطه معنویت گرایی با عشق ورزی و الگوی ارتباطی زوجین». فصلنامه پرستار و پزشک در رزم شماره ۱۵، سال ۵.
- زارعان، منصوره. (۱۳۹۵). «فرا تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق. مروری بر مطالعات ثبت شده در دهه اخیر». فصلنامه پژوهشکده زنان. دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۴۹.
- سلیمانیان، علی اکبر. (۱۳۷۳). «بررسی تاثیر تفکرات غیر منطقی ب اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی». پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره. تهران دانشگاه خوارزمی.
- صاحب‌دل، حسین. (۱۳۹۴). «ناسایی و اندازه‌گیری شاخص های ازدواج موفق». رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی دانشکده روانشناسی.
- صادقی، منصور السادات؛ موسوی، جمال؛ موتابی، فرشته و دهقانی، محسن. (۱۳۹۴). «رابطه ویژگی شخصیتی زوجین و رضایت زناشویی». مجله روانشناسی معاصر. ۱۰(۲).
- صفایی، مریم. (۱۳۹۶). «شناسایی شاخص های خانواده سالم و ناسالم از نظر زنان و مردان متاهل ایران». پایان نامه ارشد دانشگاه علامه طباطبائی، پردیس تحصیلات تکمیلی خودگردان.
- فتحی، الهام. (۱۳۹۵). «تدوین و اعتبار یابی الگوی آماده‌سازی ازدواج مبتنی بر مقایسه‌ی

- عوامل موثر در ازدواج‌های رضایتمند و نارضایتمند». رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبائی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- قلی زاده، آذر؛ بانکی پور فرد، امیر حسین و مسعودی نیا، زهرا. (۱۳۹۴). «مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل فرهنگی زمینه ساز طلاق». فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی. دوره ۲۶، شماره ۱، صص ۳۹-۶۴.
 - کرایبی، امین؛ خجسته مهر، رضا؛ سودانی، منصور و اصلانی، خالد. (۱۳۹۵). «شناسایی عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند در زنان». مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده. دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۶۴-۱۲۹.
 - کریمی ثانی، پرویز و احیایی، کبری. (۱۳۹۰). «ارائه مدل پیشنهادی برای کیفیت زندگی زناشویی براساس عوامل پیش‌بینی کننده قبل از ازدواج در بین زوجین تبریزی». فصلنامه زن و مطالعات خانواده. سال ۴، شماره ۱۳.
 - محسن زاده، فرشاد؛ نظری، علی محمد و عارفی، مختار. (۱۳۹۰). «مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زن و شوهری و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)». مطالعات راهبردی زنان. سال ۱۴، شماره ۵۳.
 - محمدی، علی؛ سحافی، حکیم؛ نیسی، مریم و رضایی نیا، زهرا. (۱۳۹۶). «ارائه یک مدل مقدماتی ازدواج خوشبخت: یک مطالعه کیفی». مجله رویش روان‌شناسی. سال ۶، شماره ۳، شماره پیاپی ۲۰.
 - مصلحی، جواد و احمدی، محمدرضا. (۱۳۹۲). «نقش زندگی مذهبی در رضامندی زناشویی زوجین». روان‌شناسی دین. سال ۶، شماره ۲.
 - مقدم زاده، علی؛ سادات علوی، طاهره؛ مظاهری، محمدعلی؛ حجازی مقاری، الهه؛ صالحی، کیوان و افروز، غلامعلی. (۱۳۹۷). «بازنمایی عوامل فردی مؤثر در احتمال آسیب طلاق: یک بررسی پدیدارشناسی». دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۱۵-۱۴۶.
 - مهربانی، وحید. (۱۳۹۵). «نظریه اقتصادی ازدواج بهینه». فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی. سال ۱۰، شماره ۱، صص ۴۹-۶۶.

- Amato, P. R., & Keith, B. (2011). "Parental divorce and Adult well-being: A Meta- Analysis". Journal of Marriage and Family, 53(1):43-58
- Bowen, M. (1978). **Family therapy in clinical practice**. New York: Aronson
- Bramlett, M. D. & Mosher, W. D. (2001). **First marriage dissolution, divorce and remarriage: United States**. Hyattsville, M. D: National center for health statistics
- Birkelund, & et al. (2003). "Who Marries Whom? Educational Homogamy in Norway". DEMOGRAPHIC RESEARCH. VOLUME 8. ARTICLE 1. P. 1-30. Retrieved from <http://www.oekonomi.uio.no/memo/memopdf/memo2800.P>
- Carr, Alan. (2006). **Family therapy: concept, process and practice**. London: Wiley

- Dixon, D. C. (2013). **“Christian Spirituality and Marital Health: A Phenomenological Study of Long-Term Marriages”**. A Doctoral Dissertation in Counseling. Liberty University.
- Eftekhari, N. & Ahmadi, K. (2018). **Determining the role of factors of main family strength, differentiation, commitment and responsibility in marital satisfaction and marital.**
- Fatima, M., & Ajmal, M. A. (2012). **“Happy Marriage: A qualitative study”**. Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology, 9, 37-49
- Finns, Fjalar,(1997), **“Social Integration, Heterogeneity, and Divorce: The Case of the Swedish”** , speaking Population in Finland, Finland Acta Sociologica, v 40, N 3, p. 277 263
- Ferguson-Cain, D. (2015). **A qualitative study of marriage and marital satisfaction of African American couples: past and present.** PhD dissertation, Texas A&M University-Commerce.
- Frimmel, & et al, (2008), **Assortative Mating and Divorce in Austria**, Johannes Kepler Universit at Linz, www. oeaw. ac. at/vid/download/col091020rw. pdf.
- Girgis, S. , George, R. , & Anderson, R. T. (2010). **“What is Marriage?”**. Harvard Journal of Law and Public Policy, 34(1), 245-287.
- Greff, A. P. , & Malherbe, L. (2001)**“Intimacy and marital satisfaction in spouses”**. Journal of Sex & Marital Therapy. 27(3), 247-257
- Goldberg, P. , Peterson, B. , Rosen, K. , & Sara, M. (2008). **“Cybersex: The impact of a contemporary problem on the practices of marriage and family therapists”**. Journal of Marital and Family Therapy, 34
- Glasser, W. (1999). **Choice theory: A new psychology of personal freedom.** New York: HarperCollins.
- Goldberg, P. , Peterson, B. , Rosen, K. , & Sara, M. (2008). **“Cybersex: The impact of a contemporary problem on the practices of marriage and family therapists”**. Journal of Marital and Family Therapy, 34.
- Ingram, J. R(2010) **Money stories of successful long-term married couples.** ProQuest Dissertations and Theses. Texas woman’s university
- Karney, B. R. & Bradbury, T. N. (1995). **“The longitudinal course of marital quality and stability”**. Psychological Bulletin, 118(1), 3-34.
- Kepler, A.(2015). **Marital Satisfaction: The Impact of Premarital and Couples Counseling.** A Master of Arts thesis in social work, St. Catherine University and the University of St. Thomas, Minnesota.
- Lashari ,S,(2016). **“Environmental and Personal Factors as Predictors of Material Adjustment – an Investigation in Pakistani Context”**. International Seminar on Generating Knowledge Through Research, UUM-UMSIDA, 25-27 October 2016, University Utara Malaysia, Malaysia. Article DOI: <http://dx. doi. org/10.21070/piccers. v1i1. 642>

- Mbwirere, J. (2017). **“CAUSES OF MARITAL CONFLICTS IN CHRISTIAN MARRIAGES IN DOMBOSHAVA AREA, MASHONALAND EAST PROVINCE, ZIMBABWE, Faculty of Applied Social Science, Zimbabwe Open University, Harare, Harare, Zimbabwe, International”**, Journal of Humonities, Art and social studies (UHAS), Vol. 1, No. 2. 59-
- Michalitsianos, N. (2014). **Resiliency: a resorce for promoting marriage satisfaction**. M. A. Dissertation in Marriage & Family Therapy. Kean University.
- Meade, A. W., & Kroustalis, C. M. (2005). **“Problems of item parceling with CFA tests of measurement invariance”**, Paper presented at the 20th Annual Conference of the Society for Industrial and Organizational Psychology, Los Angeles, CA. 1-14.
- Nimtz, Mark A. (2011). **satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage: a phenomenological study**. Unpublished doctoral dissertation, ProQuest Dissertations and Theses, Liberty University.
- O’leary, K. D., & Smith, D. A. (1991). **“Marital interactions”**. Annu. Rev. Psychol, 42: 191-212.
- Salama, Ch. (2016). **Family-of-Origin predictors of marital outcomes among Coptic orthodox Christian Egyptian couples**, PhD dissertation. California School of Professional Psychology, Alliant International University, Irvine.
- Sprecher, S. & Hatfield, E. (in press/2009), **Matching hypothesis**. In **H. Reis & S. Sprecher (Eds.) Encyclopedia of human relationships**, New York: SAGE.
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2007). **Using multivariate statistics (5 th ed.)**. Boston: Allyn and Bacon
- Ulker, A. (2008). **“Mental health and life satisfaction of young Australians: The role of family background”**, Australian Economic Papers, 2, 199-218.